**حقیقت سفینه النجاه بودن امام حسین (ع) – جلسه سوم**

راه سعادت انسان معرفت الله است. معرفت الله یعنی بدانی در این عالم کسی جز خدا اثر گذار نیست و با قوانین و نوامیسش عالم را اداره می کند. «اول العلم معرفت الجبار» نقطه اصلی علم این است که خدا را بشناسی، معرفت الله یعنی شناختن قوانین حاکم بر هستی. به هر چیزی که بخواهیم برسیم باید از طریق خدا برسیم و رسیدن به طریق خدا جز با شناختن خدا مقدور نیست.

یکی از سنت های الهی این است که عده ای بهشتی شوند و به سعادت برساند، و یک عده هم به جهنم بروند و به شقاوت برساند.

تشویق و تنبیه در تمامی نظام های عالم موجود است. هیچ نرمی و ملایمتی بدون وجود یک استحکام بنا نمی شود. خداوند ارحم الراحمین است، بنایش این است که همه را ببخشد، اما تا جایی که عدل الهی نادیده گرفته نشود و به کسی ظلم نشود. قرار است که مردم در این دنیا در دو جاده قرار بگیرند: مسیر هلاک و مسیر نجات.

از آن جایی که درجات کمالی انسان نامحدود است، امتحان های زیادی را باید بگذراند. در بهشت دو نفر هم درجه را نمی توان پیدا کرد چون درجات سعادت و شقاوت بی نهایت است. یک نجات و هلاک فردی داریم، یک نجات و هلاک قومی و امتی. در مدینه مسجدی است به نام مسجد الاجابه.

پیامبر (ص) در این مسجد هزار دعا برای امت کرد که 999 تای آن اجابت شد و یکی از آن ها اجابت نشد! آن یک دعایی که اجابت نشد همان فتنه و هلاک است که یک عده نابود می شوند و یک عده نجات پیدا می کنند. «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ» فتنه یعنی آزمایش. به مجرد این که امت ها مدعی می شوند، دچار فتنه و آزمایش می شوند. حرف زدن ساده است! مردم کوفه تا نامه ننوشتند، به فتنه گرفتار نشدند.

هر زمانی که امت ها دست به دعا برداشتند و برای فرج دعا کردند، به فتنه دچار شدند.

یکی از نقطه های هلاک امت ها شک بوده است. در فتنه ها شک پیدا می شود. اگر بخواهیم امام زمان (ع) بیاید، باید بدانیم که فتنه هایی در پیش است. جلوی شیطان و جلوی یک نظام استکباری ایستادن هزینه دارد.

باید خالص بود. باید هزینه کرد. در طول تاریخ این سنت الهی زمانی محقق شده که رسولان الهی ناامید شده اند و خیال کردند که به آن ها دروغ گفته شده است. خود قرآن می فرماید که «حَتَّى إِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّواْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ» این داستان ابتلا به گونه ای است که مرتب افراد ریزش می کنند. در امت ها که به فتنه گرفتار شده اند، بیشتر افراد هلاک می شوند و عده قلیلی نجات پیدا می کنند. اما از آن جایی که وزن نجات یافته ها بیشتر از هلاک شدگان است خداوند آن ها را بر هلاک شدگان غالب می کند.

یکی از عوامل هلاک در قرآن و روایات، مسئله پیروی از نفس است. چندین عامل که به عنوان عامل هلاکت ذکر شده اند، همه شان به پیروی از هوا و هوس ها و نفسانیت ها برمی گردد. رذایل نفسانی از اول بزرگ نیستند!

کوفه به خاطر نفسانیت مردمش کوفه شد. طماع بودند. از آدم تا به حال هر کسی که بدبخت شد به خاطر پیروی از هوای نفسش بدبخت شد. با این نفس های قوی ما محال است که نصرت امام زمان (ع) شامل حال ما شود. تا انسان از هوای نفس خالی نشود، خالص نمی شود. از دیگر نفسانیت هایی که موجب هلاک می شود شهوت است، حب دنیا است. در جوانی می توان جلوی این نفسانیت ها را گرفت. بزرگ تر که شوید، سخت تر است. اگر هوای نفس پیروی شد، در درون انسان ریشه دار می شود. اول، کار درست را می فهمد، اما نمی خواهد آن را دنبال کند. در مرحله بعد در درستیِ درست هم شک می کند. ملت هایی که به هوس رانی عادت کردند، نابود شدند.

محال است که جامعه ای را هوس بگیرد و نابود نشود! به مجرد این که نفس در کسی افتاد، او دیگر نابود شده است. اگر شهواتتان بر دینتان غالب شد، هلاک خواهید شد. «ایاکم و غلبه الشهوات علی قلوبکم» اگر در کسی غلبه هوا پیدا شد، دیگر او برده هوای نفسش خواهد شد و آخر آن هلاکت است. نفس ها جمع می شود و فرهنگ می شود، حرام خواری باب می شود و در نهایت جامعه به رذالت و پستی می رسد.

شب پنجم ماه محرم سال ۹۷

مسجد جامع صفا